

## تأثیر تعاملات فرهنگی ایران و اروپا بر معماری ایران در دوره قاجار (نمونه‌ی موردی: مجموعه ساختمان‌های کاخ گلستان)

### مرضیه شاهرودی

دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز [M.Shahroudi.K@gmail.com](mailto:M.Shahroudi.K@gmail.com)

### چکیده

معماری به‌عنوان نمود کالبدی فرهنگ یک جامعه، در طول تاریخ هم متأثر از تعاملات فرهنگی، تغییرات سیاسی و اصلاحات اجتماعی بوده و هم بر الگوهای رفتاری افراد جامعه تأثیرگذار بوده‌است. ضرورت درک دنیای جدید، از دوران مدرن خود را بیش از پیش نشان داد. در این راستا مواجهه‌ی ملت‌ها با تحولات جوامع پیشرفته‌ی هم‌عصر خود به‌صورت گوناگونی اتفاق افتاد. برخورد ایران با اروپای قرن 19 با شیفتگی همراه بود. در این دوره، ایران شکست‌خورده از قوای مجهز روسی به‌دنبال علت-یابی و ارائه‌ی راهکار، با الگوبرداری از غرب معاصر خود به‌ویژه در سیستم‌های آموزشی، در پی جبران این جاماندگی برآمد. معماری نیز مانند دیگر زمینه‌ها دستخوش تغییر قرار گرفت. این تحولات از سویی خواهان حفظ پیوند با الگوهای کهن خود بودند و از سویی دیگر توانایی مقابله با فریبندگی ظواهر غربی و مدرن معاصر خود را نداشتند. به همین جهت سعی بر آن بود تا زمینه‌های تجدد ضمن حفظ مبانی نظری بومی در کنار استفاده از تکنولوژی و عناصر وارداتی فراهم شود. هدف از این تحقیق توصیفی - تحلیلی آن است که برای پاسخ به این سوال که معماری به‌دنبال این تعاملات فرهنگی دچار چه تحولاتی شد، با استفاده از اسناد کتابخانه‌ای، پس از مطالعه‌ی تصویر فرنگ در نظر ایرانیان عصر قاجار به بررسی تحولات رخ داده در معماری آن دوره که زمینه‌ساز معماری مدرن ایران است بپردازد. تفسیر داده‌ها که در یک نمونه‌ی موردی تحلیل شدند نشان داد که این تحولات تدریجی که ناشی از درک نیازهای جدید و لزوم پیشرفت به‌ویژه در زمینه‌ی تکنولوژی بود، نخست در میان روشن‌فکران، درباریان و قشر مرفه جامعه احساس شد و به‌مرور چنان تحت تأثیر الگوهای غربی قرار گرفت که در اواخر این دوره برخلاف اوایل آن که سعی در حفظ هویت بومی در کنار بهره‌بری از عناصر مدرن بود، الگوهای سنتی دیگر مورد استفاده قرار نمی‌گرفتند.

واژه‌های کلیدی: تعاملات فرهنگی، معماری، تجدد، دوره قاجار.

## مقدمه

واژه فرهنگ به تعبیر گوناگونی معنا شده و با معیارهای مختلفی سنجیده شده است که نشان از اهمیت و پیچیدگی مسئله‌ی فرهنگ و مطالعات فرهنگی دارد. [1] اما به طور کلی مجموعه‌ی باورها، اندیشه‌ها و رسوم که یک ملت بر اساس جهان‌بینی خود در مسیر تعالی و کمال به آن‌ها باور دارد و در راستای اجرای آن‌ها می‌کوشد را فرهنگ آن ملت می‌دانند. [2] آن‌چه در زمینه‌ی مطالعات فرهنگی حائز اهمیت است، تاثیر آن بر زوایای گوناگون زندگی بشر و فعالیت‌های فردی و اجتماعی اوست. از جمله‌ی آن‌ها محیط و شرایطی است که برای زندگی خود فراهم می‌آورد که بخش زیادی از آن در بستر محیط‌های مصنوع و به کمک علم و هنر معماری اتفاق می‌افتد.

معماری، هنر خلق مکان، طراحی و شکل بخشیدن به فضا بر اساس نیازهای آدمی و نوع نگرش وی به زندگی دینی و دنیوی است. [3] در معماری نیز همانند دیگر هنرها با کالبدی مواجه هستیم که دارای روحی است متأثر از فرهنگ و جهان‌بینی جامعه که در آن فعل زیستن به معنای واقعی کلمه، و نه صرفاً گذران عمر، در جریان است. [2] در واقع آن‌چه معماری بومی و یا سنتی یک منطقه نامیده می‌شود، ناشی از تعاملات محیط طبیعی و فرهنگی آن جامعه با محیط مصنوع و معماری آن منطقه است. [4] به عبارت دیگر چنان‌که هرمان موتسیوس در مانیفست معماری قرن بیستم از دیدگاه ورک‌بوند می‌گوید:

"معماری وسیله واقعی سنجش فرهنگ یک ملت بوده و هست." [5]

به تبع پیشرفت‌های تکنولوژی و ارتباطات، تعامل ملت‌ها با هم و تاثیرپذیریشان از یک‌دیگر امری طبیعی است. اما آن‌چه در این میان اهمیت فراوانی دارد، الگوهای رفتاری ملت‌هاست که به واسطه‌ی آن‌ها با جهان خارج ارتباط برقرار کرده و در عین حال هویت خود را حفظ نموده و مغلوب فرهنگ‌های بزرگ‌تر نشوند. معماری ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و در طول تاریخ با تمدن‌های بزرگ معاصر خود در دوره‌های مختلف تاریخ تعامل داشته است. [6]

آن‌چه از جمع‌بندی مطالب گفته شده در ارتباط با مفاهیم فرهنگ و معماری بر می‌آید، تعامل این دو و تاثیرگذاری متقابلشان بر یکدیگر است. در واقع آن‌چه این دو را به یک‌دیگر نزدیک و یا از هم دور می‌کند، مفهوم هویت فرهنگی و وفاداری به آن است. در دوران سلطه‌ی بی‌چون‌وچرای مدرنیته و تمایلات غربی‌گرای ناشی از مشاهدات افراد از دنیای غرب، آن‌چه به حفظ هویت معماری بومی در کنار پیشرفت و بهره‌گیری از تکنولوژی و سبک‌های دنیای مدرن کمک می‌کند، همان باور عمیق به فرهنگ و سنت است. این تحقیق در پی پاسخ به این سوال است که معماری ایران در اثر تعاملات فرهنگی با اروپای معاصر خود، دچار چه تحولاتی شد؟ گمان نگارنده آن است که شیفتگی و حیرت ایرانیان فرنگ‌رفته در این دوره و مشکلات زیستی و اقتصادی مردم، در کنار سست شدن عناصر اعتقادی و سنتی، به تدریج بر جنبه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی و هنری ایران در این دوران تاثیر گذاشته و زمینه‌های تجدد و مدرنیزاسیون را با الگوبرداری از غرب برای دوران‌های بعد فراهم آورده است.

چنان‌چه ذکر شد در این مقاله برآنیم تا در نمایی کلی با تاثیراتی که اروپای قرن نوزدهم بر هنر و معماری بومی و سنتی ایران معاصر خود گذاشت آشنا شویم. برای نیل به این هدف، اهداف جزئی زیر را مدنظر خواهیم داشت:

1- آشنایی با اندیشه‌های جدید و تصاویر ارائه شده از غرب در دوران قاجار.

2- شناسایی فرهنگ و معماری دوره قاجار.

3- شناخت عوامل تاثیرگذار غربی و عوامل تاثیرپذیر بومی معماری ایران در این دوره.

آن‌چه بر لزوم انجام این‌گونه تحقیقات تاکید می‌کند آن است که همواره نخستین گام برای حل یک مسئله و ارائه‌ی راهکار، شناخت عوامل تاثیرگذار بر شکل‌گیری آن مشکل است. برای احیای مجدد معماری بومی ایران قبل از هرچیز باید با زمینه‌هایی که باعث کم‌رنگ شدن ارزش‌های آن -به‌ویژه در دوران قاجار، به‌عنوان پیش‌زمینه‌ی معماری مدرن ایران- شد، آشنا شویم و سپس با اقداماتی مناسب، برای همراه کردن عناصر معماری بومی‌مان با پیشرفت‌های تکنولوژیکی دنیای مدرن تلاش کنیم.

## مروری بر تحقیقات گذشته

نظر به این که معماری معاصر ایران، در دوران مدرن و پست مدرن به واسطه‌ی درک ناقص و اقدامات تقلیدی خود از معماری و اندیشه‌های غربی، روندی متفاوت با گذشته‌ی پرافتخار خود داشته‌است، در سال‌های اخیر به سیر تاریخی تغییرات معماری و اندیشه‌های وام‌گرفته شده در این دوران توجه بیشتری شده‌است. از جمله آثار با ارزش نگاشته‌شده در این باب، کتاب «معماری معاصر ایران» به قلم امیر بانی‌مسعود و هم‌چنین «سبک‌شناسی و مبانی نظری معماری معاصر ایران» نوشته‌ی دکتر وحید قبادیان است که در هر دو کتاب، معماری ایران از نخستین سال‌های حکومت قاجاریان تا به امروز مورد بررسی قرار گرفته‌است. هم‌چنین «مبانی طراحی معماری» تالیف دکتر غلام‌حسین معاریان کتابی است که تداوم و گسست معماری ایرانی را در این سال‌ها مورد مطالعه قرار داده و بر لزوم احیای ارزش‌های معماری بومی به‌ویژه در آموزش معماری تاکید می‌ورزد. مقالاتی نیز در این مورد نوشته‌شده‌اند که در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته و به آن‌ها ارجاع داده شده‌است.

اما آن‌چه نگارنده‌ی این مقاله در پی آن بوده‌است، به‌طور خاص بررسی عوامل تاثیرگذار بر معماری این سرزمین، در نتیجه‌ی مراودات ایران و اروپا در قرن 19 می‌باشد.

## روش تحقیق

این مقاله، راهبردی کیفی داشته و تحقیقی توصیفی - تحلیلی برای درک بهتر رابطه‌ی تعاملات فرهنگی و معماری (در دوره‌ی قاجار) است که با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای نگاشته شده‌است. برای این منظور با انتخاب یک نمونه‌ی موردی و مطالعه و تحلیل اسناد و مدارک مربوط به آن، به درکی از روند تحولات در این دوره خواهیم‌رسید.

## یافته‌های مقاله

از جمله ویژگی‌های برجسته‌ی فرهنگ ایرانی، تبادلات آن با سایر فرهنگ‌هاست. ایران از آغاز نه تنها مانع ارتباط حوزه‌ی فرهنگی خود با سایر اقوام و ملت‌ها نشده، بلکه همواره سعی در تعامل با آنان داشته‌است. [6]  
معماری نیز در دوران‌های مختلف تاریخی با تمدن‌های بزرگ به صورت‌های گوناگون مواجه شده و در مواردی در صورت انطباق با فرهنگ و الگوهای بومی خود، از آن‌ها تاثیر پذیرفته و در مواردی هم بر آن‌ها تاثیر گذاشته‌است. [7] برای مطالعه بهتر تغییرات هویتی معماری ایران در دوران معاصر، که ریشه در تغییرات فرهنگی - اجتماعی دوران قاجار دارد، با بررسی اجمالی فراز و فرودهای سیاسی و تاریخی این سرزمین در آن دوره، معماری و تغییرات آن را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم. برای این منظور، مجموعه‌ی ساختمان‌های کاخ گلستان که در طول سال‌های حکومت قاجار دستخوش تغییرات فراوان بوده و سیر تحول معماری این دوران را به‌خوبی نشان می‌دهند را به‌عنوان نمونه‌ی مورد مطالعه انتخاب کرده و تغییرات در هر مقطع تاریخی را در آن بررسی می‌کنیم.

## ایران در دوره‌ی قاجار

حکومت قاجار با کشته شدن لطفعلی‌خان زند در سال 1794م به دست آغامحمدخان قاجار تشکیل شد. او در سال 1796م تاجگذاری کرده و تهران را به سبب موقعیت مرکزی و نزدیکی به ایل قاجار پایتخت خود قرار داد. [8]  
عصر قاجار را شاید بتوان عصر تغییرات مهم و اساسی در جامعه‌ی ایران نامید. [9] از جمله دلایل این تغییرات بنیادین، تغییر در منابع فکری و اطلاعاتی است که به‌واسطه‌ی سفرها و سفرنامه‌ها، هم به‌صورت مکتوب و هم به‌صورت مشاهدات عینی و کلامی منبع اطلاعاتی هنرمندان و اندیشمندان این دوره شد. [7]

نخستین تمایل ایران به آشنایی با اوضاع اروپای معاصر خود را می‌توان در دوره‌ی فتحعلی‌شاه و جنگ‌های ایران و روس دید. در پی شکست سپاهیان ایران از قوای مجهز به علم روز روسیه، عباس‌میرزا و پیشکار باکفایتش میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام‌فراهانی چاره را تجهیز ایران به علم، تکنولوژی و فن اروپاییان می‌دانستند. [10] مدرنیزاسیون در ایران پس از اصلاح ارکان نظامی و اصلاحات دفاعی، در قالب نظام جدید آموزش خود را نشان داد. [11] آموزش به سبک اروپایی به‌عنوان بخشی از اصلاحاتی که عباس‌میرزا آغاز کرد، در گام نخست با اعزام دانشجو به اروپا، سپس پذیرش معلمان اروپایی در مدارس ایرانی - از جمله دارالفنون - و در نهایت با تاسیس مدارس اروپایی - که عامل مهمی برای میل به تجدد در میان ایرانیان بود - صورت گرفت. [12] از دیگر اقدامات اصلاح‌طلبانه در دوران قاجار می‌توان از جذب مستشاران خارجی، ترجمه‌ی کتب خارجی، احداث کارخانجات مختلف و تغییر در ارکان نظامی و بعدها سیاسی نام برد. [10]

بی‌تردید امیرکبیر نخستین گام جدی در عرصه‌ی نوسازی را با احداث دارالفنون به‌عنوان نخستین مدرسه‌ی بزرگ غیردینی با فاصله‌ی سه سال از دارالفنون عثمانی برداشت. علاوه بر او میرزا محمدحسن خان سپهسالار نقش و جایگاه ویژه‌ای در میان بازیگران عرصه‌ی تجدد دارد. وی به‌دنبال اقامت 12 ساله‌اش در استانبول و آشنایی با روشن‌فکران ترک، به تشویق شاه و اطرافیان وی برای اخذ تمدن غرب پرداخت. [13]

## تصویر فرنگ در نظر ایرانیان

سفرنامه‌ها از این جهت که به روایت ایرانیان از وقایع می‌پردازند، منبع مناسبی برای مطالعه‌ی تصویر فرنگ در دیدگاه آن‌ها به‌شمار می‌آیند. [14] از دیگر جنبه‌های حائز اهمیت سفرنامه‌ها، نقش آن‌ها در وارد کردن اندیشه‌ها و افکار جدید در بین طبقات مختلف مردم است. [15] در سفرنامه‌هایی که هیئت‌های دیپلماتیک، محصلین و یا بازرگانان ایران طی سفرها و اقامتشان در اروپا نوشته‌اند، توصیفات از معماری و شهرسازی غرب به چشم می‌خورد که بعضی از مهم‌ترین آن‌ها را که توسط چند شخص با وجهه‌ی اجتماعی متفاوت و مقاصد گوناگون از سفر فرنگ نوشته‌شده‌اند، بررسی می‌کنیم.

میرزا ابوطالب‌خان که به‌دنبال قتل یک شاهزاده‌ی هندی به لندن گریخته‌بود، در بخشی از اثر مکتوبش با عنوان «مسیر طالبی» به توصیف خانه‌هایی ساخته‌شده با سنگ که اکثراً در چهار طبقه ساخته‌شده‌اند می‌پردازد. وی هم‌چنین در توصیف پلان خانه‌ها اشاراتی به جانمایی فضاها و اسباب و وسایل زندگی اروپاییان می‌کند. در ادامه از فضاهای شهری و عمومی از جمله پارک‌ها و دانشگاه‌ها با تحسین یاد می‌کند. لندن در نظر میرزا ابوطالب‌خان آرمانشهری است که در آن به رهایی رسیده‌است. [11]

از دیگر سفرنامه‌های مهم، سفرنامه‌ی میرزا صالح شیرازی، از دانشجویان اعزامی به انگلیس برای آموختن زبان انگلیسی و مترجمی است. [16] او که برای خود رسالتی برای یافتن نوانمندی‌های مفید اروپا قائل بود در جای‌جای سفرنامه‌اش معماری و کارکردهای اجتماعی آن را توصیف می‌کند. او نیز مانند ابوطالب‌خان از جانمایی فضاهای مختلف در خانه‌ها و کارکردهای گوناگون آن‌ها سخن گفته و از چیدمان وسایل در خانه با دقت یاد می‌کند. در نظر میرزا صالح شیرازی، پارک‌های لندن فضاهایی برای تعاملات اجتماعی، تمیز و خیالی هستند. [11] او از موزه‌ها و آکادمی‌های هنرهای مختلف، کتابخانه‌های مجهز و حتی بعضی قصرها دیدن کرده و از شگفتی‌های آن‌ها سخن گفته‌است. [16] وی هم‌چنین در بخش دیگری از سفرنامه‌اش به توصیف کلی از سن‌پترزبورگ می‌پردازد و با شگفتی از پل‌ها و کلیساها، مدارس و مکان‌های عمومی این شهر یاد می‌کند. [14]

حاج محمدعلی سیاح، روحانی ایرانی که بدون در نظر داشتن مقصد مشخص و منابع مالی قوی راهی روسیه و پس از آن اروپا شد، از دیگر مسافران فرنگ در دوران قاجار است. او در اثر خود از کتابخانه‌ها، بیمارستان‌ها، قهوه‌خانه‌ها، تئاترها و تفرجگاه‌ها سخن رانده و در توصیف عملکردها بسیار موفق عمل کرده‌است. [17] کلیساها، معابد و مساجد، کارخانه‌ها، یتیم‌خانه‌ها، زندان و اداره‌ی پلیس، کاخ‌ها و موزه‌ها از دیگر مکان‌هایی هستند که توصیف آن‌ها در سفرنامه‌ی حاج سیاح شرح داده‌شده‌است. [18]

از دیگر سفرنامه‌های مهم و مشهور این دوره، روزنامه‌ی خاطرات ناصرالدین‌شاه در سه سفرش به فرنگ است. ناصرالدین‌شاه در سرتاسر این یادداشت‌ها به توصیف طبیعت، افراد و معماری شهرهایی که از آن‌ها گذشته یا در آن‌ها اقامت داشته می‌پردازد. همان‌طور که انتظار می‌رود بعد از طبیعت که بسیار مورد علاقه‌ی شخص وی بود، کاخ‌ها و عمارت‌ها مورد توجه او قرار گرفته‌اند. همین‌طور کلیساها و دیگر بناهای عمومی. [19] بعد از بازگشت ناصرالدین‌شاه به ایران، شاهد تاثیر مشاهداتش در معماری بناهایی که دستور به ساختشان داد هستیم. آن‌چه در ابتدا برای او حائز اهمیت بود ساختن عمارت‌هایی باشکوه، مانند قصرهای اروپایی بود. [10] چنان‌که این تاثیر را در ساخت شمس‌العماره می‌بینیم. البته این بنا پیش از سفر شاه به فرنگ و از روی تصاویری که از ساختمان‌های فرنگی دیده‌بود ساخته‌شده‌است. ناصرالدین‌شاه در وصف مکان‌ها به مقتضای موضوع و اهمیتهای کوشیده‌است نه گزاره‌گویی کند و نکته‌ی مهمی را از قلم بیان‌دازد. هم‌چنین در صدد یافتن تشابه بین آثار گذشته و حال است. به‌عنوان مثال با دیدن پلی در خانقین، آن را با پل الله‌وردی خان اصفهان مقایسه می‌کند. [20]

میرزا خانلر اعتصام‌الملک نایب اول وزارت امور خارجه در دوره‌ی ناصرالدین‌شاه هم در سفرنامه‌اش اقدام به توصیف معماری و شهرسازی در اروپا کرده‌است. کلیسا، راه‌آهن‌ها، توصیف وضع شهر، کوچه‌ها، خیابان‌ها و قهوه‌خانه‌ها مکان‌هایی هستند که در این سفرنامه درباره‌شان نکاتی نوشته‌شده‌است. [21]

ظهیرالدوله از جمله افرادی بود که در نخستین سفر مظفرالدین‌شاه به اروپا در رکاب وی بود. [22] او نیز مانند سایرین در توصیف خانه‌ها، عمارت‌ها و نماهای آن‌ها و مصالح به کاررفته (به‌خصوص سنگ) کوشیده‌است. ظهیرالدوله از هتل‌ها یا عمارت‌هایی که در طول سفر در شهرهای مختلف از سوی دولت‌های اروپایی برای شاه در نظر گرفته‌شده بود به نیکی یاد می‌کند. به‌طور مخصوص درباره‌ی حمام‌ها و سیستم گرمایش و آبرسانی آن‌ها مطالبی چند نگاشته‌است. هم‌چنین به‌دقت از تعداد و انواع لوازم تزئینی، ستون‌ها، پله‌ها و سایر عناصر و اجزا سخن گفته‌است. مانند دیگر سفرنامه‌ها، ظهیرالدوله نیز توصیف فضاهای عمومی مانند پارک‌ها و باغ‌ها، تئاترها، مغازه‌ها و ایستگاه‌های راه‌آهن را فراموش نکرده و از نوع شهرسازی و آبادانی راه‌ها و تلاش مردم برای تمیز نگه‌داشتن شهر و حفظ اموال عمومی، چه در شهر و چه در عمارت‌ها صحبت می‌کند. [22]

ناصرالسلطنه، وزیر خالصه‌جات و زراعت مظفرالدین‌شاه در توصیف خویش از شهر وین، به جداره‌های شهری، مغازه‌ها، پیاده‌رو و سواره‌روها، خطوط ترامواها و کوچه‌ها اشاره می‌کند و مانند دیگر مسافرن فرنگ از پارک‌ها، گلخانه‌ها، باغ‌وحش، موزه و دیگر ابنیه‌ی عمومی با شگفتی سخن می‌گوید. [23] وی درباره‌ی کوچه‌ها و خیابان‌های پاریس، سنگ‌فرش‌ها، عمارت‌ها، اکسپوزیسیون، المان‌های شهری، باغ و پارک‌ها، رستوران، هتل و تلگراف‌خانه‌های فرانسه در سفرنامه‌اش توضیحاتی داده‌است. [23] او هم‌چنین از جزییات کاخ پترکبیر صرف‌نظر نکرده و بخشی از سفرنامه‌اش را به توصیف عمارت وی اختصاص داده‌است. استفاده از سنگ و موزاییک در بناها برای ناصرالسلطنه هم مانند دیگر سفرنامه‌نویسان جالب بوده‌است. [23] او از دیگر شهرهای اروپا هم به همین شکل یاد می‌کند و توضیحات مختصری درباره‌ی انواع بناهای آن‌ها می‌دهد.

به‌دلیل تشابه توصیفات و توضیحات از معماری و شهرسازی اروپا در سفرنامه‌های مختلف، به‌همین مقدار بسنده می‌کنیم. آن‌چه در جمع‌بندی مشاهدات ایرانیان در آن دوره به دست می‌آید، تصویر خوشایند مکان‌های عمومی، منازل مسکونی، کاخ‌ها و عمارت‌ها، جداره‌های شهری و سیستم‌های شهرسازی اروپا در ذهن آن‌هاست.

نکته‌ی حائز اهمیت در تاثیراتی که توصیفات فرنگ‌رفته‌ها بر ملت ایران گذاشت و اقدامات اصلاحی دوران قاجار، به‌خصوص احداث دارالفنون و پذیرش معلمان اروپایی و شیوه‌ی آموزشی آنان، برجسته‌تر کردن ضعف ایران در مقابل دولت‌های غربی بود. این امر علاوه بر جنبه‌های مثبتی که در جهت بهره‌گیری از تکنولوژی در ایران داشت، زمینه را برای نفوذ بیشتر سیاسی و فرهنگی دولت‌های استعمارگر اروپایی در ایران فراهم کرده و خودباوری ملت را روزبه‌روز در موقعیتی ضعیف‌تر قرار می‌داد. [12] اگرچه بعضی از آن‌ها مانند سفرنامه‌ی میرزا صالح شیرازی ضعف ایران را صرفاً ضعیفی در موضع فناوری می‌داند نه در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، اما هرچه به نیمه‌ی قرن 19 نزدیک می‌شویم این کاستی‌ها خود را در ذهن روشن‌فکران و هنرمندان به صورت عقب-

ماندگی آشکار می‌سازند. [11] در واقع در این دوره شاهد دو نوع برخورد با جامعه‌ی مدرن غربی هستیم: اول احساس عجز در مقابل دیگری و انتقاد از رخوت خود و دوم تاکید بر داشته‌های فرهنگی خود و لزوم حفظ آن. [24] به نظر می‌رسد ابتدا نگرش اول بر افکار جامعه‌ی روشن‌فکران ایرانی در دوره‌ی قاجار غلبه کرد. بسیاری از روشن‌فکران این دوره چاره را تبعیت بی چون و چرا از غرب در همه‌ی زمینه‌ها می‌دانستند. آنان معتقد بودند فرهنگ حاکم بر جامعه‌ی ایرانی توانایی هم‌خوانی با پیشرفت‌ها را ندارد. از این رو خواهان اصلاحات همه‌جانبه در سطح جامعه بودند.

از سوی دیگر در پی سفرهای اروپایی و حیرت از مظاهر کالبدی مدرنیزاسیون غربی، تمایل به تجدد ظاهری در کنار تغییرات فرهنگی در میان این افراد سر بر آورد. بدین ترتیب آشنایی با اصلاحات شهری و معماری در اروپا، در کنار میل شاه برای ساختن عمارت‌هایی به فریبندگی کاخ‌ها و قصرهای اروپایی، زمینه را برای تغییرات تدریجی معماری فراهم کرد.

آنچه مقایسه‌ی سفرنامه‌ها با نخستین تغییرات معماری و شهرسازی نشان می‌دهد، تمایل به ساختن شهری شبیه به آنچه توسط آن‌ها توصیف شده بود می‌باشد. [13] به‌عنوان مثال نخستین تغییرات در معماری، خود را در قالب تزیینات و تغییرات ظاهری نشان دادند. همان‌طور که در اغلب سفرنامه‌ها نماهای شهری، مصالح و تزیینات نخستین عواملی بودند که باعث حیرت ایرانیان شده بودند. در این دوران نفوذ اندیشه‌های غربی و مبانی نظری آن‌ها در معماری دیده نمی‌شود و تغییرات محدود به همان عناصر الحاقی و ظاهری می‌شود.

## تغییر در آموزش و اجرای معماری

در ادامه به بررسی عامل تاثیرگذار دیگری که به سبب مراودات ایران و اروپا باعث تغییراتی در معماری و شهرسازی ما شد می‌پردازیم. چنانچه گفته شد تغییر سیستم‌های آموزشی از جمله اقداماتی بود که از دوران عباس میرزا برای فراهم آوردن زمینه‌های پیشرفت انجام شد. تغییر در شیوه‌های آموزش و اجرای معماری در سه دسته اقدامات زیر جای می‌گیرد:

1. تدریس معماری توسط معلمان فرنگی
2. حضور معماران فرنگی در دربار
3. تحصیل دانشجویان معماری در فرنگ

از همان دهه‌های نخست قرن نوزدهم که آوازه‌ی پیشرفت اروپا در شهرنشینی و مسائل شهری به ایران رسید، اثری بیدارکننده داشت و میل به تجدید بنای مملکت و در نتیجه نیاز به آموزش علوم و فنون جدید حالت ضروری به خود گرفت. [25] بوهلر فرانسوی از جمله اساتید فرنگی بود که برای آموزش شاگردان ایرانی به دارالفنون دعوت شد. او ریاضیات و نقشه‌کشی تدریس می‌کرد. [26] طرح دارالخلافه‌ی تهران توسط بوهلر و تعدادی از مهندسان ایرانی در دوره‌ی حکومت ناصرالدین شاه کشیده شده است که با توجه به افزایش تعداد درشک‌ها و کالسکه‌های جدید و واگن اسبی تاثیرپذیری از طرح‌های شهری فرانسوی دور از انتظار نبود. این اقدام وسعت شهر تهران را چند برابر کرد. [10] این طرح‌ها همان‌طور که گفته شد به دلیل دیدار درباریان از پاریس و علاقمندی آن‌ها به این نوع خیابان‌کشی، با حمایت آن‌ها روبرو شد. بدین ترتیب نخستین تحولات در شهرسازی رخ داد.

میرزا رضا مهندس‌باشی دانشجویی است که در زمان فتحعلی‌شاه و به دستور عباس میرزا در انگلیس به تحصیل قلعه‌سازی مشغول شد و در بازگشت به ایران طراحی مدرسه‌ی دارالفنون بر عهده‌ی وی گذاشته شد. [25] ساخت این مدرسه به دست محمدتقی‌خان معمارباشی انجام شده است. ساختمان این مدرسه از سه جهت حائز اهمیت است: نخست آن که عملکرد بنا به نوعی جدید است. دیگر این که توسط یک مهندس ایرانی تحصیل کرده در فرنگ طراحی شده است و در نهایت اولین بنایی است که آغاز نفوذ معماری غربی را نشان می‌دهد. [10]

از جمله دیگر دانشجویان اعزامی به اروپا، برای تحصیل مهندسی راه، پل سازی و ساختمان، میرزا مهدی خان شقاقی، معروف به ممتحن الدوله است که به دستور ناصرالدین شاه به فرانسه اعزام گردید. بعد از بازگشت به ایران بعد از مدتی کارگری و بی پولی، پس از دیدار اتفاقی با محمدتقی خان معمارباشی و نمایش علم و عمل خود در مهارت استفاده از تراز، نزد وی مشغول به خدمت شد. بعد از آن ملاقاتی با ناصرالدین شاه داشت و به دنبال این ملاقات طراحی قصر فیروزه به او واگذار شد. [27] میدان ارگ و عمارات دولتی، مسجد و مدرسه‌ی سپهسالار، عمارت معتمدالسلطنه، عمارت سعدالدوله و ساختمان حسامالسلطنه از جمله آثار طراحی شده توسط اوست. [10] ممتحن‌الوله در آثار خود عناصری از معماری اروپایی را دخالت داد. یکی از ره‌آوردهای او که با استقبال فراوان روبرو شد، طرح سراسراهای بزرگ و پله‌های باز به سبک اروپایی بود که جای راه‌روها و پله‌های بسته‌ی معماری سنتی را گرفت. طراحی پله‌های عمارت محمودخان ناصرالملک با برداشتی از پله‌های کاخ باکینگهام نمونه‌ی خوبی از این دسته طرح‌های اوست. [25]

گذشته از تاثیر مستقیم بناهای غربی در طرح‌های این گروه‌ها، برای اولین بار در ایران، ساختمان‌سازی با تهیه‌ی مدارک (پلان، نما و ...) آغاز شد و هم‌چنین برای نخستین بار طراحی و ساخت به فرد واگذار شده و نظام استاد-شاگردی برچیده می‌شود. [28]

## دگرگونی‌های معماری ایرانی در دوره‌ی قاجار

در دوره‌های تاریخی قبل شاهد مقاومت معماری و فرهنگ ایران در برابر انواع تهاجم‌های فرهنگی بودیم، که علی‌رغم پذیرفته شدن تغییرات و پیشرفت‌ها، معماری خاص خود را عرضه داشتند. اما در دوره‌ی قاجار این تغییر منبع فکری، به سبب عقب‌ماندن از تکنولوژی و علم روز دنیا در قرن 19 و همین‌طور شرایط نابسامان اقتصادی و زیستی مردم، اثری متفاوت داشت. مردم، اندیشمندان و هنرمندان برای بهبود اوضاع، هر گزینه‌ای را که به گمانشان موثر بود را پذیرا بودند. [7] در آن دوران، ایده‌آل آسمانی معماری ایرانی کم‌کم مصداق زمینی خود را در پاریس و دیگر شهرهای اروپا پیدا می‌کند. [29] از طرف دیگر تغییر سیستم اقتصادی حاکم بر جهان و پیشرفت‌های علمی و تکنولوژی به‌ویژه در امر حمل‌ونقل، نیازمندی به تغییراتی در بافت‌های شهری سنتی ایرانی را نشان می‌داد. به همین سبب در آن دوران، سعی در ساخت فضاها و محله‌های جدید برای پاسخ‌گویی به این پیشرفت‌ها و تغییرات بود. در نتیجه چنین به‌نظر می‌رسد که معماری در این دوران نسبت به شهرسازی با تاخیر پذیرای تحولات اساسی می‌شود. [28]

نمی‌توان معماری دوره‌های مختلف، به‌ویژه دوره‌های متوالی را به‌طور کامل از هم جدا کرد. تغییرات در معماری به‌تدریج رخ می‌دهند و کم‌کم به‌صورت عناصر خاص هر دوره، خود را در قالب سبکی جدید نشان می‌دهند. در دوره‌ی قاجار از سویی شاهد میل به رقابت با شهرها و بناهای عصر صفوی هستیم و از سوی دیگر تمایل به ساختن شهری مدرن به سبک اروپایی را احساس می‌کنیم. هنر و معماری این دوره را می‌توان در سه مقطع پیگیری نمود. نخست دوره‌ی پیروی از الگوهای کهن، سپس بهره‌گیری تدریجی از عناصر وارداتی در کنار عناصر بومی و پدیدآوردن سبکی منحصر به خود و در ادامه الگوبرداری و تقلید کامل از غرب. در ادامه به بررسی بیشتر این سه دوره خواهیم پرداخت.

نخستین دسته از عوامل تاثیرگذار در معماری دوران قاجار، عوامل درونی و برگرفته از معماری سنتی ایران به‌خصوص معماری عصر صفویه است. آثار این سبک را می‌توان در بناهای مذهبی و خانه‌های مسکونی به خوبی مشاهده کرد. [8] این سبک که به شیوه‌ی اصفهانی مشهور است، در دوره‌ی اول قاجاریه یعنی سال‌های 1164-1229 هجری شمسی نیز با ادامه‌ی روش اجرای ساختمان‌ها به شیوه‌ی سنتی، درون‌گرایی، منابع الهام و ایده‌پردازی، نوع عملکرد، فرم بنا و نوع تزیینات ادامه یافت. نخستین آثار نفوذ هنر غربی در این دوره در تزیینات و نقاشی‌های واقع‌گرا، بام شیب‌دار، سنتوری‌های فاقد مجسمه و تزیینات و قوس‌های نیم-

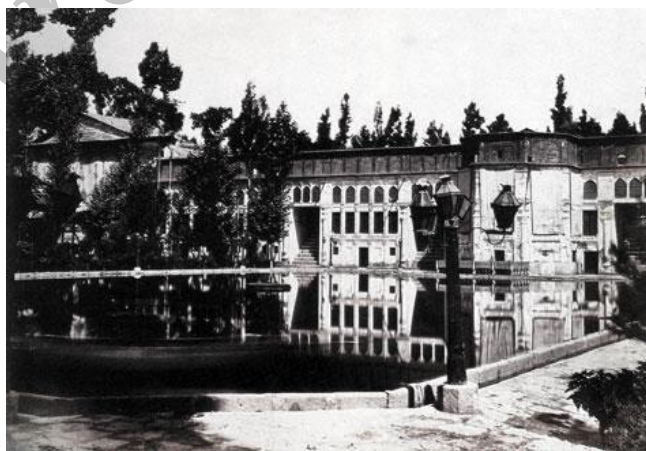
دایره به جای قوس جناغی دیده می‌شود. [10] از جمله بناهای ساخته شده در دوره ی قاجار در این سبک، مسجد امام تهران، مسجد و مدرسه ی آقابزرگ کاشان و خانه ی وثوق تهران هستند. [30]

عمارت دیوان خانه یا ایوان تخت مرمر، قدیمی ترین بنای مجموعه ی گلستان در ضلع شمالی این مجموعه قرار دارد و ساخت آن در زمان کریم خان زند صورت گرفته و به دستور آغامحمدخان قاجار، اقدام به بازسازی آن شده است. ساخت این بنا به شیوه ی اصفهانی بوده و طراحی بام شیب دار و استفاده از نقوش واقع گرا در کنار نقوش انتزاعی، نخستین عناصر نفوذی معماری نئوکلاسیک اروپا را نشان می دهند. [11]



شکل 1- عمارت تخت مرمر (ماخذ: [www.golestanpalace.ir](http://www.golestanpalace.ir), 1394)

دیگر بنای این مجموعه در این دوران عمارت خروجی است که به باغ سلطانی نیز شهرت داشته است. بانی این بنا آغامحمدخان بوده و ساخت آن در زمان فتحعلی شاه به پایان می رسد. این ساختمان مجموعه ی گلستان را به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم می کرد و شامل اتاق موزه، تالار آینه ی گلستان، صندوق خانه و رخت دارخانه ی سلطنتی بود. داشتن نمای سنگی، بام شیب دار، سنتوری و نقوش واقع گرا از ویژگی های این بناست که به دلیل نبود منابع مناسب و معتبر نمی توان در مورد تاریخ استفاده از این عناصر فرهنگی در این عمارت نظر قطعی داد. [10]



شکل 2- عمارت خروجی (ماخذ: [www.golestanpalace.ir](http://www.golestanpalace.ir), 1394)



عمارت بادگیر در زمان فتحعلی‌شاه در محل ارگ سلطنتی ساخته شد و در زمان ناصرالدین‌شاه اصلاحاتی در آن انجام شده و به شکل امروزی درآمد. وجه تسمیه‌ی این عمارت، چهار بادگیر بلند مزین به کاشی‌های معرق با قبه‌ی زرین است که هوای حوضخانه‌ها را خنک می‌کرد. [31] بام شیب‌دار و سنتوری بالای ساختمان تنها المان‌های فرنگی به‌کار رفته در این بنا هستند. [10]



شکل 3- عمارت بادگیر (ماخذ: [www.golestanpalace.ir](http://www.golestanpalace.ir), 1394)

می‌توان چنین نتیجه گرفت که در دوره‌ی اول قاجار هنر و معماری کماکان تحت تاثیر اندیشه‌های سنتی بوده و صرفاً پذیرای برخی تزیینات و عناصر الحاقی از هنر غربی شده‌است.

دوره‌ی دوم عصر قاجاریه مصادف سال‌های 1260-1229 هجری شمسی است که به سبب آرامش سیاسی و عدم درگیری‌های خارجی، ساخت و ساز با رونق خوبی از جهت کمیت برخوردار بوده و بناهای بسیاری در این دوره ساخته شده‌اند. سفر ایرانیان به اروپا در همین دوران به‌صورت مستمر و پیوسته انجام شده‌است. شیوه‌ی معماری این دوره را تهرانی نامیده‌اند و تلفیقی از شیوه‌ی اصفهانی با سبک فرنگی است. [10] در این دوره عناصر و تزیینات فرنگی بیشتر وارد معماری به‌ویژه معماری مسکونی و کاخ‌ها شده و هم در فضاهای خارجی و هم داخلی بناها به‌چشم می‌خورند. سامان‌دهی فضاها هنوز مطابق با الگوهای ایرانی است ولی عناصری از جمله بام شیب‌دار، ایوان ستون‌دار، سرستون‌های کورنتی و ایونیک، قوس‌های نیم‌دایره در فرم در و پنجره‌ها، آیینه‌کاری تالارها و نقاشی‌های واقع‌گرا از معماری غرب وارد معماری ایرانی شدند. در این زمان هنوز نظم پلان با نما مطابقت دارد. [11]

در معماری سنتی ایران پله عنصری مهم و نمایان نبود، اما در این دوران کاربرد پله به‌عنوان عنصری کاربردی-تزیینی در معماری خانه‌ها و عمارات به تقلید از معماری اروپا رایج شد و پله‌ها در محور اصلی ساختمان قرار می‌گرفتند. در این دوره هنوز از فضاهای شناخته‌شده‌ی معماری ایرانی استفاده می‌شود اما بعضاً در جای مناسب و تعریف‌شده‌ی خود قرار ندارند و ارتباط آن‌ها با سایر فضاها مطابق الگوی کهن خود نیست. [11] در این دوره هم اندیشه‌ها و مبانی نظری معماری و شهرسازی غرب هنوز در معماری قاجار تاثیر نگذاشته‌اند. مدرسه‌ی دارالفنون، قصر فیروزه، کاخ باغ ارم و عقیق‌آباد شیراز، تکیه دولت، کاخ و مسجد و مدرسه‌ی سپهسالار، باغ و عمارت مسعودیه، کاخ صاحب‌قرانیه و عمارت نارنجستان قوام شیراز از جمله بناهایی هستند که به سبک تهرانی و در دوره‌ی دوم قاجاریه ساخته شده‌اند. [10]

دگرگونی و توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی کاخ گلستان در دوره‌ی ناصرالدین‌شاه انجام شده‌است. در این دوره بسیاری از بناهای قدیم تخریب و عمارت‌های جدید به تبعیت از سفرهای اروپایی درباریان با الگوپذیری بیشتر از معماری فرنگی در آن ساخته‌شدند. [10] عمارت 5 طبقه‌ی شمس‌العماره در ضلع غربی کاخ گلستان، که به دستور شاه در پی دیدن تصاویر ساختمان‌های بلند اروپایی ساخته‌شد، از جمله‌ی این بناهاست. [31] التقاط معماری ایرانی و فرنگی در این بنا در بسیاری از جهات دیده می‌شود که کلاه-فرنگی‌ها، ساعت و بازشوها در چهار سمت ساختمان مهم‌ترین نموده‌های این مدعا هستند. سرستون‌های کورنتی، قوس‌های نیم-دایره، بام شیب‌دار، سنتوری، نقوش واقع‌گرا و پله‌ای بزرگ رو به حیاط در محور ایوان همکف از دیگر عناصر و اصول ملهم از سبک نئوکلاسیک اروپا هستند. [10]



شکل 4- شمس‌العماره (ماخذ: [www.golestanpalace.ir](http://www.golestanpalace.ir):1394)

تکیه‌دولت به دستور ناصرالدین‌شاه و مباشرت معیرالممالک در جنوب‌غرب کاخ گلستان ساخته‌شد. دلیل اصلی اقدام به فرمان ساخت آن توسط شاه، بازدید او از تماشاخانه‌های اروپا بود. برخی معتقدند این بنا به تقلید از معماری آلبرت‌هال لندن که در واقع تئاتر سلطنتی انگلستان به‌شمار می‌رفت توسط مهندسیین انگلیسی ساخته‌شد. اما به‌دلیل موج مخالفت‌ها با کاربری آن، به اجرای تعزیه اختصاص داده‌شد. [31] این بنا از حیث نوع کاربری از جمله بناهای تاثیرپذیرفته از سفرهای شاه به اروپا و علاقه‌مندی او به ساخت بناهایی مشابه ابنیه‌ی عمومی اروپا به‌شمار می‌آید. [10]



شکل 5- تکیه‌دولت (ماخذ: [www.golestanpalace.ir](http://www.golestanpalace.ir):1394)

نتیجه آن که در دوره دوم، تاثیرپذیری از هنر غرب به واسطه برخورد مستقیم تر و بیشتر با الگوهای غربی افزایش می یابد. علاوه بر تزیینات شاهد نفوذ برخی المانها، عناصر و شیوههای اجرا به سبک اروپایی به ویژه نئوکلاسیک در معماری بومی و سنتی هستیم. البته در سراسر عصر قاجار این تغییرات در سطح شهری و بناهای سلطنتی و یا عمارت‌های قشر مرفه و متجدد رخ می دهد و علی‌رغم ساخت منازل مسکونی فراوان و در نوع خود زیبا در این دوره، وفاداری به الگوهای بومی و سنتی در این نوع بناها بسیار چشم‌گیرتر است.

اما دوره سوم حکومت قاجارها که از سال 1260 هجری شمسی تا 1304 را شامل می‌شود، دوره معماری فرنگی و تاثیرپذیری بیشتر از معماری نئوکلاسیک اروپا است. [10] در این دوره اقشار نوپای سرمایه‌داری تجاری هم در صدد ساختن شهری بودند که توانایی پذیرش روابط و فضاهای جدید را در فضای کالبدی خود داشته باشد. تحرکات اجتماعی متأثر از تغییرات اندیشه، باعث جدایی‌گزینی اقشار مختلف با زندگی در محدوده‌ی معین و عدم تماس با سایر قشرهای شهری شد. تا پیش از این، محلات بر اساس روابط خویشاوندی، قومی و مذهبی شکل می‌گرفتند. بدین ترتیب نقش محله تغییر می‌کند. در این دوره شاهد ساخت فضاهایی نظیر پارک امین‌الدوله و اتابک و بناهایی با کارکرد جدید هستیم که بی‌شک مهم ترین آنها ساختمان مجلس شورای ملی است. [13] معماری خیابانی تغییر دیگری است که در این دوره در معماری ایران به چشم می‌خورد. منظور از این نوع معماری احداث خانه‌ها و مغازه‌ها در اطراف خیابان است. علت این پدیده ورود اتومبیل به خیابان‌هایی است که جنبه‌ی عملکردی داشتند. این بناها در دو یا سه طبقه رو به خیابان ساخته می‌شدند و بازشوهایی به سمت خیابان داشتند. پیاده‌روها، جوی‌ها و ردیف‌های درخت و باغچه از دیگر عناصری هستند که به خیابان‌ها افزوده می‌شوند. [8]

در دوره سوم هر سه شیوه معماری اصفهانی، تهرانی و فرنگی در کنار هم مطرح و مورد توجه بودند. نموده‌های معماری فرنگی را می‌توان بدین صورت تعریف کرد: نمادهای نئوکلاسیک نظیر کلاه‌فرنگی و ساعت، تقارن در پلان و نماهای اصلی، بام شیب‌دار و سنتوری، قوس‌های کمانی و نیم‌دایره، گلدان و مجسمه در بنا، نرده‌های فلزی، بالکن، پله‌ها در محور اصلی، تزیینات کلاسیک و واقع‌گرا و ستون‌های دوریک، ایونیک و کورنتی. [10] قصر یاقوت، کاخ ملیجک، بانک شاهی، عمارت قزاق‌خانه، کاخ فرح‌آباد، کوشک احمدشاهی، عمارت بلدیة، عمارت کلاه‌فرنگی بی سیم قصر، و ایستگاه راه‌آهن از بناهای ساخته شده در این سبکند. [10]

عمارت خوابگاه بین اندرونی و بیرونی مجموعه‌ی کاخ گلستان به دستور ناصرالدین شاه ساخته شد. این عمارت اولین بنایی بود که به طور کامل به سبک فرنگی ساخته شده و هیچ اثری از سبک اصفهانی در آن دیده نمی‌شود. بالکن سرتاسری، قوس کمانی، سنتوری، پله در محور ورودی و نمای کاملاً نئوکلاسیک این بنا نشان‌دهنده‌ی این امر هستند. [10]



شکل ۶- عمارت خوابگاه (ماخذ: [www.golestanpalace.ir](http://www.golestanpalace.ir):1394)

کاخ ایبض آخرین بنایی است که در مجموعه‌ی گلستان ساخته شد. این کاخ در جنوب غرب باغ بنا شد و فرم‌های به‌کار رفته در نما و گچ‌بری‌های فضای داخلی آن، با الگو برداری از ساختمان‌های قرن ۱۸ اروپا طراحی شده‌اند. [11] هم‌چنین قوس‌های نیم-دایره، بام شیب‌دار با پوشش شیروانی، نمای سنگی، بالکن بالای ورودی، سنتوری، ستون کورنتی، سنگ تاج، نرده‌ی فلزی و مبلمان فرنگی در کنار تزیینات نئوکلاسیک دیگر جنبه‌های فرنگی در معماری این عمارت هستند. [10]



شکل ۷- کاخ ایبض (ماخذ: [www.golestanpalace.ir](http://www.golestanpalace.ir):1394)

آن‌چه با بررسی آثار به‌جا مانده از این مقطع تاریخی نتیجه می‌شود این است که به دلیل نفوذ بیشتر اروپاییان در ایران و تاثیرپذیری بیشتر از فرهنگ آنان، معماری تحولی بیش از پیش داشته و عناصر غربی جایگاه مهمی در معماری این سرزمین پیدا می‌کنند. بناهای این دوره نه تنها در ظاهر پیرو سبک نئوکلاسیک هستند بلکه رد پای این شیوه در برخی جانمایی‌ها و تعاریف فضایی هم دیده می‌شود.

## تنوع کاربری‌ها در دوره قاجار

با توجه به مطالب گفته شده به نظر می‌رسد می‌توان سبک معماری دوران قاجار را معماری گشایش و اختلاط نامید. بدین معنا که از طرفی باعث بهبود فضاهای تنگ و نامنظم بافت سنتی برای پذیرش تکنولوژی‌های جدید شد و از طرف دیگر موجب اختلاط معماری بومی با الگوهای فرنگی شد. [13]

در این دوره بازار کماکان هسته اصلی شهر و محل تظاهر اشکال اجتماعی و اقتصادی و مذهبی شهر است که در دوره سوم به خیابان‌هایی نسبتاً مدرن و اروپایی تغییر شکل داد. در این خیابان‌ها نماها و جداره‌های جدید شهری به چشم می‌خوردند و دسترسی‌ها به مرکز محلات که به عنوان مکانی نیمه‌مستقل فعالیت می‌کردند می‌رود. مساجد و مراکز حکومتی و بازار جایگاه خود را به عنوان عناصر مهم شهری حفظ کردند. [32]

به نظر می‌رسد معماری مذهبی در این دوره تغییرات کمتری داشته و عمدتاً به همان سبک سنتی ساخته می‌شد. به‌ویژه مساجد که در کلیات همان سبک چهار ایوانی با شبستان، گنبد، محراب و منبر را در خود حفظ کردند. [8] علت این امر شاید پایبندی ملت به باورها و اعتقادات مذهبی بوده باشد که غرب را بلاد کفر دانسته و الگوبرداری از آنان را مخالف شعائر دینی‌شان می‌دانستند. چنانچه کاربرد تکیه دولت به عنوان آملی‌تئاتر با مخالفت روبرو شد و در عوض به محلی برای اجرای آیین تعزیه اختصاص داده شد.

کاخ‌ها و عمارت‌های شاهی به سبب تجدد طلبی شاهان قاجار بیش از سایر بناها دستخوش تغییرات و پذیرای الگوها و نمادهای خرد و کلان فرنگی شدند. [28] این بناها در ابتدا تحت تاثیر امواج نوگرایی در ظاهر و نمای خود قرار گرفته و رفته‌رفته زمینه را برای تغییرات بنیادی‌تر در جانمایی و نوع فضاها (پلان، نما و مقطع) فراهم آوردند. مصالح و شیوه‌های اجرا نیز به تدریج به الگوهای غربی متمایل شدند. [10]

در محلات شاهد جدایی طبقات اجتماعی از هم هستیم. این امر به ساخت بناهایی به سبک فرنگی در بین خواص و متجددان انجامید. [13] بناهای مسکونی به دلیل شرایط نابه‌سامان اقتصادی و معیشتی مردم عادی به همان شیوه سنتی ساخته می‌شدند اما منازل طبقات مرفه تغییراتی مشابه کاخ‌ها در مقیاس کوچکتر داشتند. حضور اسباب و وسایل غربی در خانه‌های ایرانی به مرور بر تیپولوژی خانه‌ها تاثیر گذاشته و فضاهای جدیدی از جمله اتاق خواب، پذیرایی، غذاخوری و ... به وجود آمدند. [28] در اواخر قرن 19 با استقرار سفارت‌خانه‌ها و خانه‌های اتباع خارجی به تدریج تاثیر معماری غربی را در فضاهای داخلی نیز می‌بینیم. [25] لزوم ساخت بناهایی با عملکردهای جدید، به خصوص از اواخر دوران حکومت فتحعلی شاه به مقتضای زمان برای سیستم اداری و نظامی جدید خود را نشان داد. [28] و بناهایی مانند بلدیة و بانک جایگاه مهمی در ساختار شهری پیدا کردند.

## نتیجه‌گیری

با بررسی تاریخ و معماری عصر قاجار و مطالعه اسنادی از سفرنامه‌های آن دوره، چنین نتیجه می‌شود که با تغییر منابع فکری و اندیشه‌های حاکم بر جامعه، و نیز آگاهی از پیشرفت‌های اروپا، نیازهایی متفاوت با گذشته احساس شد. این نیازها نخست در میان درباریان و اقشار مرفه خود را نشان دادند. آنان برای پاسخ‌گویی به این نیازها، راه‌حل را در الگوبرداری از غرب معاصر خود یافتند. به این منظور اقداماتی نظیر اعزام دانشجویان به اروپا، دعوت از معلمان و متخصصان اروپایی و وارد کردن تکنولوژی از اروپا انجام شد. رهاورد این اقدامات در عرصه معماری، در گام نخست تغییر در بافت شهری و ظواهر معماری بود. بعد از تحول در تزئینات، مصالح و بعضی شیوه‌های اجرا دستخوش تغییر شدند. در این دوره نظام استاد - شاگردی برچیده شد و طراحی به شخصی غیر از معمار و بنای ساختمان واگذار شده و پیش از اجرا، نقشه‌ها تهیه می‌شدند.

این روند تا بدان جا پیش رفت که بر خلاف اوایل آن دوره، که معماری کماکان پیوند خویش را با الگوهای کهن حفظ کرده بود، در اواخر دوره قاجار، ساختمان‌ها به سبکی کاملاً اروپایی ساخته می‌شدند. این امر به‌ویژه در نمای ساختمان‌ها که تماماً از عناصر اروپایی بهره‌می‌برد، به‌خوبی دیده می‌شود. المان‌های فرنگی نیز به‌مرور جای نمادهای سنتی را گرفته و کلاه‌فرنگی‌ها و برج‌های ساعت در سطح شهر به‌جای مناره‌ها دیده می‌شوند.

چنین به نظر می‌رسد که علت این تغییرات که در دوره‌های بعد (پهلوی) باعث جدایی بیشتر از معماری بومی و سنتی ایران شد، عدم توانایی در تولید تکنولوژی در داخل کشور و یا بومی‌سازی تکنولوژی‌های وارداتی باشد. به جای آن که عناصر وارداتی خود را با بافت سنتی، مبانی نظری و الگوهای بومی هماهنگ کنند، این عناصر بومی بودند که به نفع الگوهای فرنگی کنار گذاشته شدند. حضور اروپاییان و احداث مدارس و محله‌های اروپایی نیز به میل به تجدد در میان اقدار جامعه دامن زده و زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی فراهم‌آمده توسط آن‌ها، بستر را برای حضور معماری مدرن غربی، که از دوران پهلوی راه خویش را در معماری این سرزمین باز کرد، مهیا کردند.

## مراجع

- [1] مظفر، ف، حسینی، ب و عبدمجیری، ا، فرهنگ در پژوهش‌های معماری، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۸، از ۲۹ تا ۳۸، تابستان ۱۳۹۱.
- [2] نقی زاده، م، تاثیر معماری و شهر بر ارزش‌های فرهنگی، هنرهای زیبا، شماره ۱۱، از ۶۲ تا ۷۶، تابستان ۱۳۸۱.
- [3] مددپور، م. حکمت معنوی و ساحت هنر، سوره مهر، ۱۳۷۷.
- [4] ارمنغان، م، گرجی مهلبانی، ی، ارزش‌های معماری بومی ایرانی در رابطه با رویکرد معماری پایدار، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۲۶، از ۲۵ تا ۳۵، تابستان ۱۳۸۸.
- [5] گروتز، ی.، زیبایی‌شناسی در معماری، ترجمه‌ی دکتر جهان‌شاه پاکزاد و مهندس عبدالرضا همایون، چاپ پنجم، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.
- [6] پرویزی، ا، لطفی، م، تعاملات فرهنگی معماری ایران در عرصه‌ی کهن جهانی، کتاب ماه هنر، شماره ۱۶۱، از ۷۰ تا ۷۸، بهمن ۱۳۹۰.
- [7] معماریان، م. مبنای طراحی معماری، انتشارات نغمه نو اندیش، ۱۳۹۳.
- [8] کمالی، م، بررسی معماری دوره قاجار، دو فصلنامه‌ی تخصصی‌دانش مرمت و میراث فرهنگی، سال پنجم، شماره ۴، از ۴۷ تا ۵۴، بهار ۱۳۸۹.
- [9] بختیاری، پ، افهمی، ر، هنر ایران عصر قاجار، کتاب ماه هنر، شماره ۱۶۲، از ۵۰ تا ۵۷، اسفند ۱۳۹۰.
- [10] قبادیان، و. سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران، چاپ دوم، انتشارات علم‌معمار، ۱۳۹۲.
- [11] بانی‌مسعود، معماری معاصر ایران، ویرایش دوم، چاپ پنجم، نشر هنر معماری قرن، ۱۳۹۱.
- [12] محمودآبادی، م، اصلاحات آموزشی از دارالفنون تا مدارس رشديه، تاریخ‌پژوهی، شماره ۵۱، از ۲۱ تا ۴۴، تابستان ۱۳۹۱.
- [13] ریاضی، ا، تاثیر تجدد بر سازمان فضایی شهر تهران در اواخر دوره قاجار، تحقیقات فرهنگی، شماره ۱۱، از ۱۲۹ تا ۱۴۸، پاییز ۱۳۸۹.
- [14] میرزایی، ح، پروین، ا، نمایش جایگاه غرب در سفرنامه‌های دوره ظهور مشروطیت، تحقیقات فرهنگی ایران، شماره ۹، از ۷۷ تا ۱۰۶، بهار ۱۳۸۹.

- [15] صوفی نیارکی نجفی، ت، سفرنامه‌ها نخستین بازتابها در مواجهه با غرب جدید، آموزه، شماره‌ی 2، از 157 تا 182، بهار 1382.
- [16] فلاح‌رستگار، گ، میرزا صالح شیرازی در سفرنامه، جستارهای ادبی، شماره‌ی 30، از 236 تا 257، تابستان 1351.
- [17] ابراهیمی، آ، فرار از وضع موجود (نگاهی به سفرنامه‌ی فرنگ حاج سیاح)، بخارا، شماره‌ی 76، از 609 تا 612، مرداد و شهریور 1389.
- [18] ثروت، م، سفرنامه‌ی حاج سیاح به فرنگ، نامه انجمن، شماره‌ی 15، از 45 تا 70، پاییز 1383.
- [19] قاضیها، ف. روزنامه‌ی خاطرات ناصرالدین‌شاه در سفر دوم به فرنگستان، سازمان اسناد ملی ایران، 1379.
- [20] نیکزاد، ذ، نظریه ف، معماری در دربار سلطان صاحب‌قران، گلستان هنر، شماره‌ی 9، از 26 تا 51، پاییز 1386.
- [21] محمودی، م. سفرنامه‌ی میرزا خانلر اعتصام‌الملک، چاپ‌خانه‌ی فردوسی (ناشر منوچهر محمودی)، 1351.
- [22] رضوانی، م. سفرنامه‌ی ظهیرالدوله همراه مظفرالدین‌شاه به فرنگستان، انتشارات مستوفی، 1371.
- [23] جعفریان، ر. سفرنامه‌ی ناصری، کتابخانه‌ی موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، 1390.
- [24] گلچین، م، توفیق، ا، خورسندی، ز، تحلیل گفتمان روشن‌فکران ایرانی درباره‌ی علوم جدید (از تاسیس دارالفنون تا تاسیس دانشگاه تهران)، مسائل اجتماعی ایران، شماره‌ی 3، از 75 تا 105، تابستان 1390.
- [25] مقتدر، ر، دوران صد ساله‌ی تجدد در شهرسازی و معماری ایران، ایران‌نامه، شماره‌ی 42، از 259 تا 270، بهار 1372.
- [26] فرزادفرهنگیان، ا، تاریخچه‌ی مراودات فرهنگی ایران و فرانسه، تاریخ روابط خارجی، شماره‌ی 32، از 71 تا 92، پاییز 1386.
- [27] خان‌شاقی، ح. خاطرات ممتحن‌الدوله، امیرکبیر، 1353.
- [28] افشاراصل، م، خسروی، م، معماری ایران در دوره‌ی قاجار، هنر، شماره‌ی 36، از 120 تا 138، تابستان 1377.
- [29] حسین‌زاده‌دلیر، ک، هوشیار، ح، مدرنیسم و تاثیر آن بر معماری و شهرسازی ایران، جغرافیا و برنامه‌ریزی، شماره‌ی 19، از 207 تا 222، زمستان 1384.
- [30] نیلفروشان، م. معماری ایرانی از آغاز تا دوره‌ی قاجاریه، کانون آگهی و تبلیغات رشاد، 1386.
- [31] شهیدی، ح. سرگذشت تهران، انتشارات دنیا، 1383.
- [32] شیعه، ا. با شهر و منطقه در ایران، چاپ ششم، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، 1388.